رویش روان شناسی، سال۱۰ ، شماره۷، شماره پیاپی ۶۴، مهر ۱۴۰۰
*Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(7), 2021*

# فرایند انتقال مولفه‌های اخلاقی از والدین به فرزندان نوجوان: یک مطالعه کیفی[۱]

# The process of transferring moral components from parents to adolescent children: A qualitative study

**حدیثه الهامی** (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
**دکترمعصومه اسمعیلی**
استاد، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
**دکتر ابراهیم نعیمی**
استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

## چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نحوه انتقال مؤلفه‌های اخلاقی از والدین به فرزندان نوجوان در فرایند تربیت اخلاق‌محور بود. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. بدین منظور ۱۵ نفر از والدین دارای فرزندان نوجوان ۱۳-۱۷ ساله به روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. تجارب والدین در انتقال مؤلفه‌های اخلاقی به فرزندان از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها جمع‌آوری، ثبت و سپس کدگذاری شد و در قالب مقوله‌های اصلی طبقه-بندی گردید. تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۱۰۳ گزاره اولیه، ۳۳ مضمون فرعی و ۸ مضمون اصلی شد. مضامین اصلی عبارت بودند از راهبردهای پرورش شناخت و استدلال اخلاقی، راهبردهای پرورش گرایش و بازدارندگی عاطفی اخلاقی، راهبردهای پرورش اراده اخلاقی، بسترسازی محیطی اخلاقی، مؤلفه‌های انضباطی در تربیت اخلاق‌محور، مؤلفه‌های ارتباطی در تربیت اخلاق‌محور، روش‌های فعال ایجاد عملکرد اخلاقی، روش‌های القایی ایجاد عملکرد اخلاقی. راهبردهای پرورش شناخت و استدلال اخلاقی، راهبردهای پرورش گرایش و بازدارندگی عاطفی اخلاقی و راهبردهای پرورش اراده اخلاقی اولین عامل زمینه‌ساز و بسترسازی محیطی اخلاقی به عنوان دومین عامل زمینه‌ساز در تربیت اخلاق‌محور مشخص شدند. والدین از روش‌های القایی و فعال برای انتقال مؤلفه‌های اخلاقی در تربیت اخلاق‌محور استفاده می‌کنند که این راهبردها و روش‌ها زمانی مؤثرتر واقع می‌شوند که والدین سبک فرزندپروری مسئولانه را در پیش گیرند.

***واژه‌های کلیدی:*** مؤلفه‌های اخلاقی، تربیت اخلاقی، والدین، فرزندان نوجوان

**Hadise Elhami***
MA. Family counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
*elhami.h68@gmail.com*
**Dr. Masoumeh Esmaeil**
Professor, Department Of Counseling, Faculty Of Education And Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
**Dr. Ebrahim Naeimi**
Assistant Professor of Counseling ,Department Of Counseling, Faculty Of Education And Psychology Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

## Abstract

The aim of the present study was to investigate the procedure of moral components transition from parents to adolescent children in the process of moral education. This study was performed qualitatively using a phenomenological approach. For this purpose, 15 parents with adolescent children aged 13-17 years were selected by purposive sampling. Parents' experiences in transmitting moral components to their children were examined through semi-structured interviews. Data were collected, recorded, and then coded and classified into main categories. Analysis of participants' experiences led to the identification of 103 initial propositions, 33 sub-themes, and 8 main themes. The main topics were strategies for cultivating moral reasoning and cognition, strategies for cultivating moral emotional tendency and deterrence, strategies for cultivating moral will, creating a moral environment, disciplinary components in moral education, communication components in moral education, active methods of creating moral performance, inductive methods of creating moral performance. Strategies for cultivating moral reasoning and cognition, strategies for cultivating emotional tendency and deterrence, and strategies for cultivating moral will were the first underlying factors, and setting the moral environment was the second underlying factor in moral-oriented education. Parents use inductive and active methods to convey moral components in moral-oriented and these strategies and methods are most effective when parents adopt a responsible parenting style.

***Keywords:*** *moral components, moral education, Parents, Adolescent children.*

**نوع مقاله : پژوهشی** **دریافت : فروردین ۱۴۰۰** **پذیرش: خرداد ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی : مهر ۱۴۰۰**

۱ . این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده است.

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]

[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

## مقدمه

رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی در همه‌ی ابعاد از مهمترین راه‌های بقاء و ارتقاء سلامت زندگی اجتماعی است (دورکیم[1]، ۲۰۱۳). اخلاق، به بررسی و ارزش‌گذاری کنش‌ها و رفتارهای آدمی می‌پردازد و شامل اصول و ارزش‌هایی است که بر رفتارهای فردی و جمعی، تحت عنوان درست یا غلط حاکمیت دارد (انگلیش[2]، ۲۰۰۶). وایت[3] (۲۰۱۰)، اخلاق را شاخه‌ای از فلسفه می‌داند که با مسائل معنوی انسان سروکار دارد. از نظر او اخلاق علم ارزیابی اعمال انسان است که با آن می‌توانیم رفتار درست و نادرست، خوب یا بد و پذیرفته یا مردود را ارزیابی کنیم. از طرفی اخلاق تنها به مجموعه اعتقادات ذهنی و باورها و ارزش داوری‌های انتزاعی محدود نمی‌شود، بلکه نحوه خاصی از زندگی است. از نظر ادراکی، قضاوت درباره کردار نیک و بد در اصول جهانی ریشه داشته و از تمامی موانع فرهنگی عبور می‌کند (لنیک و کی یل[4]، ۲۰۰۵). رفتار اخلاقی در همه فرهنگ‌ها شامل به رسمیت شناختن مسئولیت‌پذیری، تعهد متقابل و توانایی در همدردی و تلاش برای رفاه دیگران و آسیب نرساندن به آنان است (میلر، داس و چاکروارتی[5]، ۲۰۱۱) . عمده آموزه‌های دینی نیز مشترکاً ارزش‌هایی همچون تعهد به دیگران، مسئولیت‌پذیری، احترام و توجه به دیگران را مورد توجه قرار داده‌اند (مرعشی، نقی‌ترابی، بساک نژاد، بشلیده، ۱۳۹۸).

امروزه با رشد زندگی اجتماعی، مسئله اخلاق، شکل گسترده‌تر و پیچیده‌تری به خود گرفته است، تعریف اخلاقی روابط انسان‌ها در جامعه مشکل شده و تشخیص مصادیق اخلاقی از غیراخلاقی دشوارتر گردیده است و نیز عدم رعایت اخلاق در جامعه از جمله مهم‌ترین بحران‌های زندگی اجتماعی انسان به شمار می‌آید. لذا بخش مهمی از اهداف نظام‌های تربیتی جوامع که خانواده یکی از مهم‌ترین آن‌هاست، آموزش و انتقال اصول اخلاقی به نسل آینده است، زیرا این امر موجب ارتقای اخلاقی افراد، بسترسازی تعالی، بهزیستی و امنیت فردی و اجتماعی در جامعه می‌شود (خسروی و باقری، ۱۳۸۷). این مسئله به‌ویژه در دوران نوجوانی که فرد با تغییرات بسیاری در جنبه‌های مختلف زندگی از جمله چالش‌های اخلاقی روبه‌رو است اهمیت خاصی پیدا می‌کند (اسماعیل بیگی و همکاران، ۱۳۹۷). ویژگی‌ها و تحولات خاص این دوره می‌تواند هم به صورت فرصتی برای تعالی و شکوفایی نوجوان باشد و هم در صورت عدم مدیریت بهینه آن، تهدیدهایی را برای خود نوجوان و جامعه پدید آورد. در دوره نوجوانی دستیابی به تفکر انتزاعی، آرمان‌خواهی، عیب‌جوتر شدن، خودآگاهی، بهبود خودگردانی، وقت‌گذاری بیشتر با همسالان، تنوع‌طلبی، استقلال‌خواهی و هویت‌یابی می‌تواند بستر لازم را برای تحول اخلاقی فراهم سازد (شریفی‌زارچی و خلعتی، ۱۳۹۶). داشتن هویت اخلاقی و استدلال اخلاقی قوی و نظام منسجم ارزش‌های اخلاقی بر ارزیابی شناختی نوجوان از موقعیت‌های چالش‌برانگیز و استفاده از راهبردهای مناسب و معقول برای مقابله با آن‌ها تأثیرگذار است، به طوریکه هویت اخلاقی سطح بالا در نوجوانان پیش‌بینی‌کننده انجام رفتارهای اجتماعی و اخلاقی و همچنین پرهیز از رفتارهای ضد اجتماعی است (هرتز و کرتناوئر[6]، ۲۰۱۶؛ هاردی، بین و آلسن[7]، ۲۰۱۵؛ چن و هویت[8] ۲۰۰۷؛ استامز[9] و همکاران، ۲۰۰۶). پژوهش اسماعیل‌بیگی و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان می‌دهد آموزش مفاهیم اخلاق در خانواده به شیوه قصه‌گویی مبتنی بر مفاهیم اسلامی، تقویت سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و سلامت روان در نوجوانان دختر را به همراه دارد.

بستر مسائل اخلاقی ریشه در زمینه‌های تربیتی، خانوادگی، فرهنگ اجتماعی، میراث تاریخی و نهادهای دینی دارند. لذا، خانواده اصلی‌ترین کانون تربیت و آموزش اصول اخلاقی است و ریشه آموزش مفاهیم اخلاقی در فرد از خانواده شروع می‌شود (سینگ[10]، ۲۰۲۰؛ سعیدیان جزی، ۱۳۹۳). والدین تأثیرات چشمگیری بر نگرش‌ها، باورها، اعتقادات اخلاقی و رفتار فرزندان دارند. به‌طوریکه با عرضه الگوهایی به آنان نقش مهمی در شکل‌گیری نظام اخلاقی فرزندانشان ایفا می‌کنند (شریفی، ۱۳۹۶). پژوهش سینگ (۲۰۲۰)، نشان می‌دهد از جمله عوامل مهم پیش‌بینی‌کننده استدلال اخلاقی در دختران و پسران نوجوان، قضاوت اخلاقی والدین و خانواده است. در دوره نوجوانی، خانواده

1 . Durkheim
2. English
3. White
4. Lennick & Kiel
5. Miller, Das & Chakravarthy
6. Hertz & Krettenauer
7. Hardy, Bean & Olsen
8. Chen & Howitt
9. Stams
10. Singh

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

از طریق بستری که برای تکامل نوجوان فراهم می‌کند، تعیین‌کننده اصلی رشد و تکامل او است (شریعتمدار، عمادی و امینی، ۱۳۹۷). هرچه محیط خانواده بیشتر شرایط گفتگوی راحت را درباره موضوعات گوناگون فراهم آورد، فرزندان، بیشتر و بهتر می‌توانند به رشد شخصی و بلوغ فکری دست یابند و همچنین سلامت بیشتر و زندگی غنی‌تر نوجوانان را در پی دارد (شهرکی‌ثانوی و همکاران، ۱۳۹۰).در این زمینه نتایج پژوهش بن- اری و شیمون[1] (۲۰۱۴) نشان می‌دهد درصد بالایی از کودکان و نوجوانان خانه را به عنوان امن‌ترین مکان و والدین را به عنوان مطمئن‌ترین افراد که به نیازهای آنان پاسخ می‌دهند، درک می‌کنند. از طرفی یکی از اصول بنیادی مهم در اجتماعی شدن نوجوانان، تعامل با افرادی است که از نظر عاطفی برای فرد از اهمیت بالایی برخوردارند، در نتیجه والدین در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌گیرند (محمدی، سلیمی و برجعلی، ۱۳۹۶). پژوهش داویس و کارلو[2] (۲۰۲۰) نیز مؤید آن است که محبت مادرانه با احساس و علاقه همدلانه و اعتقادات اخلاقی نوجوانان رابطه مثبت و مستقیم دارد و این دو ویژگی در نوجوانان با رفتارهای مثبت اجتماعی رابطه مثبت دارد. یافته‌های پژوهش فاطیما، داوود و منیر[3] (۲۰۲۰) نیز حاکی از آن است که سبک فرزندپروری مقتدرانه نقش اساسی در درونی کردن هویت اخلاقی دارد و رفتارهای اجتماعی نیز متأثر از هویت اخلاقی است.

اگرچه پژوهش‌های نسبتاً زیادی در زمینهٔ تاثیرات مهم و چشمگیر خانواده و والدین بر ویژگی‌های رفتاری نوجوانان وجود دارد، اما پژوهش‌های اندکی با هدف کشف تجربهٔ والدین در انتقال مؤلفه‌های اخلاقی به نوجوانان و عوامل مؤثر در شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی در آنان صورت گرفته است. پژوهش شریعتمدار و آدینه‌وند (۱۳۹۶) نشان داد آموزش مفاهیم فلسفی باعث رشد ارزش‌های خیرخواهی، سنت‌گرایی، همنوایی، امنیت، لذت‌گرایی، موفقیت، خوداتکایی و جهان‌گرایی در نوجوانان شده است. نتایج پژوهش مرعشی، صفایی و خزامی (۱۳۸۹) نیز حاکی از آن است آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع‌پژوهشی، بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تاثیر مثبتی داشته است. همچنین پژوهش فرید و همکاران (۱۳۸۹) مؤید آن است که آموزش شناختی بیشترین تاثیر را در رشد قضاوت اخلاقی داشته است و روش آموزش مستقیم دومین روش مؤثر است و در نهایت روش تلفیقی نیز بر قضاوت اخلاقی اثرگذار بوده است.

توجه به کارآمدی روش‌های انتقال اخلاق و تناسب آن با ویژگی‌های دوره نوجوانی که نقش بسزایی در تسهیل این فرایند دارد، حائز اهمیت است، زیرا عدم کارایی روش‌ها به دلیل ویژگی‌های تحولی این دوره می‌تواند دلزدگی و دوری جستن را در نوجوان پدیدآورد (شریفی‌زارچی و خلعتی، ۱۳۹۶). با توجه به لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر در زمینه اخلاق و نقش والدین در انتقال آن به فرزندان به منظور فراهم‌سازی بسترهایی برای کاهش پیامدهای ناشی از انحرافات اخلاقی در نوجوانان، هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است که مؤلفه‌های اخلاقی به چه شکلی از والدین به فرزندان نوجوان منتقل می‌شود و عوامل مؤثر در این فرایند کدام است تا از طریق مدل مفهومی، بسترها و زمینه‌های انتقال مؤلفه‌های اخلاقی از والدین و شکل‌گیری آن در نوجوانان تدوین شود و براساس آن متغیرها و شرایط موقعیتی و فردی اثرگذار در این فرایند درک، کشف و تبیین شود و با دستیابی به اطلاعاتی در این خصوص برنامه‌های تربیتی و فرزندپروری به صورت علمی‌تر تدوین شود.

## روش

مطالعه حاضر به روش کیفی[4] و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی[5] انجام شد. هدف این روش، توصیف و تشریح پدیده‌های خاص به عنوان تجارب زیسته است. در این پژوهش دستیابی به فهم جدید و عمیقی از پدیده انتقال مؤلفه‌های اخلاقی از والدین به فرزندان در فرایند تربیت اخلاق‌محور، علت اصلی استفاده از رویکرد کیفی به شیوه پدیدارشناسانه است. در پژوهش حاضر براساس هدف مطالعه، جامعهٔ مورد نظر والدین دارای فرزند نوجوان در شهر تهران بودند. در مورد انتخاب نمونه‌ها در مرحله اول با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند[6]، با والدین مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. از جمله ملاک‌ها در نمونهٔ مورد مصاحبه این بود که هر دو والد در قید حیات باشند، نوجوان با هر دو والد زندگی کند، والدین از نظر اقتصادی و فرهنگی حداقل در حد متوسط باشند، والدین و نوجوانان اختلال روانی و شخصیتی نداشته باشند، دامنه سنی نوجوانان ۱۳-۱۷ سال باشد. در ادامه با استفاده از نمونه‌گیری نظری و در هر مرحله با توجه به تحلیل

1. Ben-Arieh & Shimon
2. Davis & Carlo
3. Fatima, Dawood & Munir
4. Qualitative Method
5. Phenomenology
6. Purposive Sampling

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

داده‌های پیشین و سؤالات جدید مطرح شده طی مصاحبه‌های قبلی، فرایند جمع‌آوری داده‌ها از افراد ادامه پیدا کرد. همچنین فرایند نمونه‌گیری تا زمانی که داده‌ها به اشباع برسد، ادامه یافت. بدین ترتیب یافته‌های پژوهش از مصاحبه با ۱۵ والد ساکن تهران حاصل شده است.

در این پژوهش، از مصاحبهٔ اکتشافی نیمه‌ساختاریافته[1] استفاده شد که معمول‌ترین روش در پژوهش کیفی است. در این نوع مصاحبه سعی می‌شود احساسات، تجارب و افکار مصاحبه‌شونده در زمینهٔ موضوع مورد پژوهش کشف شود. لذا در اولین مصاحبه‌ها برای روشن‌تر شدن موضوع، سؤالات کلی در مورد ارزش‌های اخلاقی مهم برای والدین و روش‌هایی که مورد استفاده قرار می‌دهند تا این ارزش‌های اخلاقی را به فرزندانشان آموزش دهند پرسیده شد. طی فرایند مصاحبه و مرور و تحلیل‌های ابتدایی سؤالاتی مشخص‌تر شکل گرفت که قالب کلی موضوع را شکل می‌داد. این مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که پاسخ‌ها به اشباع رسید. مدت مصاحبه در هر مورد متغیر بود و به طور متوسط ۳۵- ۴۵ دقیقه طول می‌کشید. در رابطه با رعایت اصول اخلاقی پژوهش، لازم به ذکر است که قبل از انجام مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت و آگاهی در تحقیق شرکت کردند و علاوه بر کسب رضایت آن‌ها جهت ضبط صدا و یادداشت‌برداری میدانی، به شرکت‌کنندگان اطمینان از حق انصراف از ادامه همکاری در هر زمان دلخواه، محرمانه بودن همه مشخصات در کل فرایند پژوهش و دادن نتایج به مشارکت‌کنندگان درصورت درخواست آنان داده شد. همه مصاحبه‌ها با تعیین زمان مشخص‌شده از سوی شرکت‌کنندگان و در مکانی خلوت و بدون حضور فرد دیگری انجام گرفت. محتوای مصاحبه‌ها به متن نوشتاری تبدیل شد تا تحلیل شود.

جهت تحلیل داده‌ها، روش دیکلمن[2] و همکاران (۱۹۸۹) مورد استفاده قرار گرفت. براساس این روش، متن مصاحبه‌ها پس از گوش دادن چندین باره و پیاده کردن آن‌ها روی کاغذ، تحلیل مضمونی شد. مقوله‌بندی براساس غرق شدن در اطلاعات، تکرار کدگذاری‌ها، طبقه‌بندی‌ها و مقایسه‌ها صورت‌گرفت. پس از استخراج، کدگذاری و طبقه‌بندی اطلاعات، مضامین مشترک و مرتبط با هم در قالب مقوله‌های فرعی و در نهایت مضامین عمده تلفیق و مضامین نابجا و نامرتبط حذف شدند و نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند یافتند و دسته‌های کلی‌تر را به وجود آورند. برای بررسی ارتباط بین مقوله‌ها و یکپارچه کردن آن‌ها، از تلفیق تفکر قیاسی و استقرایی و حرکت مداوم بین مفاهیم مرتبط استفاده گردید. لازم به ذکر است که در فرایند تحلیل از نظارت استادان راهنما و مشاور و همفکری با متخصصان استفاده شد. متن مصاحبه‌ها به همکاران پژوهش داده شد و آن‌ها نیز به بررسی کدها، زیرمقوله‌ها، ارتباط بین مقوله‌ها، حذف کدهای نابجا و شناسایی موارد جدید پرداختند تا تحلیل داده‌ها به یکپارچگی دست یابد (به نقل از اسپیزال، استرویبرت و کارپنتر[3]، ۲۰۱۱). در نهایت توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه ارائه شد.

به منظور صحت و اعتبار داده‌ها از چهار شاخص اعتبار گوبا و لینکلن[4] (۱۹۸۹) استفاده گردید. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، هر مصاحبه دوباره به شرکت‌کننده بازگشت داده شد و صحت و سقم مطالب تأیید و تغییرات لازم اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق سعی بر آن بود پژوهشگر پیش فرض‌های خود را در فرایند جمع‌آوری و استخراج مضامین، دخالت ندهد. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، روش بازنگری ناظران در قالب استفاده از نظرات تکمیلی اساتید و همکاران نیز مورد استفاده قرار گرفت. جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، سعی بر آن بود شرکت‌کنندگان در پژوهش از میان سطوح مختلف اجتماعی- اقتصادی استفاده شود (به نقل از محمدپور، ۱۳۹۷).

## یافته‌ها

تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان پژوهش منجر به شناسایی ۱۰۳ گزاره اولیه، ۳۳ مضمون فرعی و ۸ مضمون اصلی شد که در جداول زیر ارائه شده است. در ادامه به توضیح مبسوط آن‌ها پرداخته خواهد شد.

1. Semi- structured interview
2. Diekelmann
3 . Spezials, Streubert & Carpenter
4. Guba & Lincoln

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

**جدول ۱. مضامین اصلی و فرعی در برگیرنده عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری عملکرد اخلاقی در فرزندان**

| | مضامین اصلی | مضامین فرعی |
|---|---|---|
| راهبردهای ایجاد شناخت، انگیزه و اراده اخلاقی در فرزندان به عنوان عامل زمینه‌ساز اول | راهبردهای پرورش شناخت و استدلال اخلاقی | پرورش سنجش سود و زیان رفتارها |
| | | پرورش تفکر نسبت به علت انجام رفتارها |
| | | پرورش تفکر نسبت به پیامد و عواقب کارها |
| | راهبردهای پرورش گرایش و بازدارندگی عاطفی اخلاقی | پرورش اعتقاد به وجود پیامدهای دنیایی عمل |
| | | پرورش اعتقاد به تشویق و تنبیه الهی |
| | | پرورش اعتقاد به ناظر بودن خداوند |
| | | پرورش محبت الهی |
| | راهبردهای پرورش اراده اخلاقی | ملکه‌سازی انجام عمل اخلاقی |
| | | حذف موانع انجام عمل اخلاقی |
| | | ایجاد رغبت در انجام عمل اخلاقی |
| راهبردهای ایجاد محیط اخلاقی برای فرزندان توسط والدین به عنوان عامل زمینه‌ساز دوم | بسترسازی محیطی اخلاقی | حذف شرایط تخریب‌کننده اخلاق و ایجاد فضای دینی و اسلامی |
| | | گزینش برنامه‌های تلویزیونی و فرهنگی آگاهی بخش و ترویج کننده اخلاق |
| | | قرار دادن فرزند در اجتماع سالم و اخلاق‌مدار |
| | | تحت آموزش قرار دادن فرزند توسط افراد آگاه و اخلاق‌مدار |
| | | در دسترس قرار دادن امکانات بصیرت‌افزا در راستای مسائل دینی و اخلاقی |

با توجه به جدول شماره ۱، تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد راهبردهای ایجاد شناخت، انگیزه و اراده اخلاقی در فرزندان به عنوان عامل زمینه‌ساز اول در تربیت اخلاق‌محور مطرح است و دومین عامل زمینه‌ساز اساسی و مهم که برای انتقال مؤلفه‌های اخلاقی به فرزندان ضرورت دارد، بسترسازی محیطی اخلاقی است.

اولین مضمون اصلی شناسایی شده در پژوهش حاضر، راهبردهای پرورش شناخت و استدلال اخلاقی در فرزندان توسط والدین است. راهبردهایی همچون پرورش سنجش سود و زیان رفتارها، پرورش تفکر نسبت به علت انجام رفتارها، پرورش تفکر نسبت به پیامد و عواقب کارها از جمله زیرمضمون‌ها و راهبردهایی است که والدین در طی مصاحبه به آن‌ها اشاره کردند. یکی از زیر مضمون‌های این مضمون اصلی پرورش سود و زیان رفتارها است: "میگم تو خودت فکرتو به کار بنداز و ببین کدوم بهتره محاسن و معایبش رو بسنج و ببین کدومو انجام بدی بهتره، می‌گم تو برگه یه جدول بکش تو یه ستون خوبی‌ها رو بنویس تو ستون دیگه بدی‌های اون کارو بعد ببین کدوم بیشتره و براساس اون رفتارکن" (مشارکت‌کننده ۱، خانم، فوق لیسانس، مدرس دانشگاه، ۳۹ ساله). پرورش تفکر نسبت به علت انجام رفتارها زیرمضمون فرعی دیگری است که در صورتی که افراد این مهارت را یاد بگیرند، می‌تواند باعث خودآگاهی در آنان شود و مانع از تقلید کورکورانه و بدون اندیشه در فرد می‌شود: "همیشه وقتی کاری چه خوب چه بد انجام بده ازش می‌پرسم چی یا کی تورو تحت تأثیر قرار داد؟ و چی باعث شد تو اون کار رو انجام بدی؟" (مشارکت‌کننده ۱۲، خانم، دیپلم، خانه‌دار، ۳۹ ساله). یکی دیگر از مضامین فرعی، پرورش تفکر نسبت به پیامد و عواقب کارها است که منجر به رشد تفکر عاقبت‌اندیشی در فرزندان می‌شود و با رشد این نوع از تفکر در فرد، او می‌تواند با توجه به پیامد کارها دست به انتخاب شایسته بزند: " تا اونجا که تونستم کارای خوب و بد رو بهش گفتم و عاقبت هر کاری رو براشون توضیح میدم. مثلاً هر کاری قراره انجام بشه بهش میگم اگه این مسیرو بری به اینجا میرسی اگه اون مسیر رو بری عاقبتش چیز دیگه ست همه این مسائل رو براش میگم." ( مشارکت‌کننده ۱۴، آقا، مهندس برق، ۴۵ ساله).

دومین مضمون اصلی راهبردهای پرورش گرایش و بازدارندگی عاطفی اخلاقی در فرزندان توسط والدین است. تحلیل تجارب شرکت-کنندگان نشان می‌دهد که پرورش اعتقاد به وجود پیامدهای دنیایی عمل، پرورش اعتقاد به تشویق و تنبیه الهی، پرورش اعتقاد به ناظر بودن خداوند و پرورش محبت الهی از جمله روش‌هایی بوده است که برای پرورش گرایش و بازدارندگی عاطفی اخلاقی در فرزندان، توسط

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

والدین به کار گرفته شده است. تشویق و تنبیه رفتارهای فرزندان توسط والدین و اطرافیان باعث شکل‌گیری و تکرار رفتار نیک و خاموش-سازی رفتار اشتباه و غیراخلاقی، از طریق شرطی‌سازی کنشگر می‌شود که بدنبال آن به تدریج انگیزه‌های درونی انجام اعمال اخلاقی در فرد شکل گیرد: "پسرم داشت خاطرات رزمنده‌ای رو که خیلی شکمو بوده و همش میوه‌ها و خوراکی‌های توی گردان رو می‌خوره و همه ازش ناراحت میشن، برام تعریف می‌کرد اون وقت من در لحظه ازش پرسیدم خب چرا اینجوری می‌شد اون هم گفت خب جلو شکمش رو نمی‌تونسته بگیره دیگه اگه جلو شکمش رو می‌گرفت دیگران هم دوستش داشتن و همش ازش ناراحت نمی‌شدن." (مشارکت‌کننده ۸، خانم، مدرس دانشگاه، دکترا، ۳۷)." اگر بی‌ادبی کنی طرف فکر می‌کنه پدر و مادرش ایراد دارن یا میگن مامانش بهش یاد داده." (مشارکت‌کننده ۶، خانم، فرهنگی، فوق‌دیپلم، ۵۰). اعتقاد به تشویق و تنبیه الهی عامل مهم دیگری است که موجب انجام رفتارهای نیک و خودداری از انجام رفتارهای نادرست می‌شود: "همیشه به خاطر رضای خدا خیلی حواسم هست دل کسی رو نشکنم و گاهی بچه‌ها شاکی میشن از رفتارم بهشون میگم همیشه باید رضای خدا رو در نظر بگیری و خدا خودش یه جا به داد آدم میرسه." (مشارکت‌کننده ۱۱، خانم، خانه‌دار، دیپلم، ۳۸ ساله)، "همیشه بهش گفتم اگر ما به کسی مکر کنیم، خدا به گردن خودمون اون مکر رو میندازه." (مشارکت‌کننده ۱۵، آقا، راننده کامیون، ۴۹ ساله). علاوه بر دو زیر مضمون ذکر شده، اعتقاد به ناظر بودن خداوند باعث می‌شود فرد مدام احساس کند کسی او را رصد می‌کند و هنگام انجام کارها چه نیک و چه بد، تحت نظارت قرار دارد: "مثلاً وقتی امتحان مجازی داشت و سوالی رو که بلد نبود از من می‌پرسید بهش می‌گفتم: این کارت تقلبه. الان خانمتون تورو نمی‌بینه اما خدا که تو رو می بینه." (مشارکت-کننده ۸، خانم، مدرس دانشگاه، دکترا، ۳۷). پرورش محبت الهی روش دیگری است که والدین به آن اشاره کرده‌اند و این عامل باعث می‌شود فرزندان از نظر احساسی و شناختی طوری تربیت شوند که موضوعی برای رذایل اخلاقی در آن‌ها باقی نماند: "در ارتباط با خدا هم بهش می گم تو در قبال خدا هم مسئول هستی، چون ما بنده خداییم. خدا مارو آفریده ما یه سری کارها رو نباید در برابرش بکنیم چون دوستش داریم." (مشارکت‌کننده ۱۳، آقا، استاد دانشگاه، ۴۳ساله).

مضمون اصلی دیگری که از تجارت والدین استخراج شد، راهبردهای پرورش اراده اخلاقی در فرزندان است و زیر مضمون‌های زیر را دربرگرفته است: ۱): ملکه‌سازی انجام عمل اخلاقی: "هر روز تو خونه ما قرآن خونده میشه و بچه‌ها هر روز باید قرآن بخونن و پدرشون هر صبح قرآن می‌خونه بعد میره سر کار." (مشارکت‌کننده ۲، خانم، بیمه‌گذار، لیسانس، ۴۰ ساله). ۲) حذف موانع انجام عمل اخلاقی: "یه وقتایی می‌دیدم خودش کارای خوبی انجام میده مثلاً کار عملی‌های مدرسه رو خودش تنهایی انجام میده یا از کمک‌هایی که به دوستش کرده صحبت می‌کنه خیلی تشویقش می‌کردم و هیچ وقت منعش نمی‌کردم." (مشارکت‌کننده ۱۰، خانم، مشاور، ۴۰ ساله). ۳) ایجاد رغبت در انجام عمل اخلاقی: "از بچگی هروقت دخترم کار خوبی می‌کرد به مادر بزرگ و پدربزرگش اینا می‌گفتم و اوناهم کلی تشویقش می‌کردن مثلاً فاطمه از بچگی روزه می‌گرفت با اینکه اونا مخالف بودن ولی به خودشون اجازه نمی‌دادن دخالت کنن و خیلی تشویقش می‌کردن الان هم که بزرگ شده وقتی رفتارای خوبش رو می‌بینن تشویقش می‌کنن و می‌گن ما بهت افتخار می‌کنیم." (مشارکت‌کننده ۳، آقا راننده کامیون، دیپلم، ۴۰ ساله).

شرکت‌کنندگان پژوهش تجاربی را عنوان کردند که حاکی از ایجاد بستر و محیط اخلاقی برای انتقال موثر مؤلفه‌های اخلاقی است که تحت عنوان مضمون اصلی بسترسازی محیطی اخلاقی در تربیت فرزندان توسط والدین قرار گرفته است. اولین زیرمضمون در این مضمون اصلی، حذف شرایط تخریب‌کننده اخلاق و ایجاد فضای دینی و اسلامی استپک "من اگر از بچگی کارهای نادرست مثل نگاه کردن به فیلم‌های مبتذل و اینا جلوشون انجام بدم کاملاً با گوشت و خون اونها آمیخته می‌شه و بچه من هم سمت اون‌ها گرایش پیدا می‌کنه. واسه همین ما خودمون خیلی رعایت می‌کنیم و تو خونمون اصلا فیلم‌های ناجور و مبتذل نگاه نمی‌کنیم و با افرادی تعامل داریم که مثل خودمون هستن." (مشارکت‌کننده ۱، خانم، مدرس دانشگاه، ۳۹ ساله). یکی دیگر از مضامین فرعی، گزینش برنامه‌های تلویزیونی و فرهنگی آگاهی‌بخش و ترویج‌کننده اخلاق است: "شبکه‌هایی که می‌بینیم و برنامه‌هایی که می‌بینیم گزینشیه اینه که چون این فضا تو خانواده مون هست مؤثر بوده." (مشارکت‌کننده ۱۰). "ما اصلاً شبکه‌های ماهواره‌ای و فیلم‌های مبتذل رو نگاه نمی‌کنیم و برنامه‌هایی رو نگاه می‌کنیم که می‌دونیم مفیده و با نگاه کردن بهشون بچه‌ها به انحراف کشیده نمی‌شن." (مشارکت‌کننده ۲، خانم، بیمه‌گذار، ۴۰ ساله). همچنین قرار دادن فرزند در اجتماع سالم و اخلاقی مضمون فرعی مشترک مطرح شده توسط والدین است: "مثلاً سعی می‌کنم با ورزش یا باشگاه یا کلاس‌های بسیج و اینا تو اجتماع بد نباشه و انرژیش هم تخلیه بشه و با این کارا مشغول بشه که اون بشه عشقش و اونو ادامه بده تو اون حیطه‌ها ورود پیدا کنه. اگر هم دوستی داشته باشه تو همین جاها پیدا کنه. در واقع هدفم اینه تو اجتماع بمونه ولی جای سالمش باشه." (مشارکت‌کننده ۱۱، خانم، خانه‌دار، دیپلم، ۳۸ ساله). مضمون فرعی بعدی تحت آموزش قرار دادن فرزند توسط افراد آگاه و اخلاق‌مدار

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

است: "مثلاً از اوایل دوره متوسطه دوتا معلم رو می‌شناختیم ازشون خواهش کردیم تقبل کنند هفته‌ای یه بار با اینا کلاس داشته باشند، کلاسی که جو خشک مدرسه رو نداشته باشه و در عین حال که شاد هست و محیطش امنه اینا بتونن اونجا راحت باشند و تخلیه انرژی داشته باشند و مهارت‌های زندگی و مسائل بصیرتی و اعتقادی رو کار کنه". ( مشارکت‌کننده ۱۰). مضمون فرعی دیگر، در دسترس قرار دادن امکانات بصیرت‌افزا در راستای مسائل دینی و اخلاقی برای فرزندان است: "سخنرانی‌هایی رو که به بچه‌ها در مورد این نمادها و سمبل‌ها اطلاعات می‌دادن دم دستش می‌ذاشتم. یعنی دسترسیشو برای آگاهی و بصیرت افزایی آسون می‌کردم." (مشارکت‌کننده ۴، خانم، خانه‌دار، ۴۲ ساله).

**جدول ۲: مؤلفه‌های فرزندپروری مسئولانه در فرایند تربیت اخلاق‌محور**

| مضامین اصلی | مضامین فرعی |
|---|---|
| مؤلفه‌های انضباطی و مراقبت‌گری مسئولانه | نظارت و کنترل فرزند در فضای مجازی |
| | نظارت بر محیط‌های اجتماعی که فرزند با آنجا تعامل دارد |
| | تعیین قوانین و مقررات و معیارها در منزل |
| | تعیین انتظارات |
| مؤلفه‌های ارتباطی و حمایت‌گری مسئولانه | آگاهی والدین نسبت به ویژگی‌های رفتاری و ذاتی فرزندان |
| | آگاهی والدین نسبت به علایق و نیازهای فرزندان |
| | برقراری ارتباط با فرزندان برمبنای احترام توسط والدین |
| | برقراری ارتباط صمیمانه با فرزندان |

جدول شماره ۲، نشان‌دهنده سبک فرزندپروری مسئولانه است که دربرگیرنده مؤلفه‌های انضباطی و مراقبت‌گری و مؤلفه‌های ارتباطی و حمایت‌گری مسئولانه در فرایند تربیت اخلاق‌محور است. این عامل به عنوان عامل تسهیل‌گر در تربیت اخلاقی قرزندان مطرح است.

مؤلفه‌های انضباطی و مراقبت‌گری مسئولانه در تربیت اخلاق‌محور، اولین مضمون اصلی در جدول شماره ۲ است که از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شد. در این زمینه شرکت‌کنندگان پژوهش، تجاربی را عنوان کردند که براساس آن‌ها زیرمضمون‌های این مضمون اصلی، به شکل زیر مشخص شده است: ۱) نظارت و کنترل فرزند در فضای مجازی: « وقتی تو سایت‌های مجازی هستن حواسم هست و چک می‌کنم تو سایتای نامناسب نره و معمولاً این سایتا رو قفل می‌کنم.» (مشارکت‌کننده ۱). ۲) نظارت بر محیط‌های اجتماعی که فرزند با آنجا تعامل دارد: "همیشه حواسم هست چه دوستایی رو انتخاب می‌کنه و وقتی باهاشون بازی می‌کنه دورادو کنترل می‌کنم و قرار کردیم از همون اول هر دوستی پیدا می‌کنه به ما معرفیش کنه." (مشارکت‌کننده ۱۲). " برامون مهم بود که درست تربیت شن اینطور نبود که بگیم خب حالا هرطور خودش بزرگ شد بشه، چون ممکن بود خودش هرجایی رو انتخاب کنه و ما دلمون نمی‌خواست این اتفاق بیفته واسه همین سعی می‌کردیم در محیط‌هایی قرار بدیمشون که سالمند.» (مشارکت‌کننده ۱۰). "برای اینکه همیشه در جریان مسائل درسی و رفتاریش باشم عضو انجمن اولیا مدرسه شدم چون هم پسرم خوشش میاد و هم خودم حواسم بیشتر بهش هست" (مشارکت‌کننده ۱۲). ۳) تعیین قوانین و مقررات و معیارها در منزل: " یه سری معیارهایی رو براشون تعریف می‌کنم اون وقت بسته به میزان انجام دادن یا ندادنشون تشویق و تنبیه‌هایی براشون در نظر می‌گیرم." (مشارکت‌کننده ۷، آقا، نظامی، ۳۸ ساله). "همیشه یه خط قرمزی بوده برام و بهشون گفتم اگه شما به من دروغ بگید و بعد من از جایی متوجه بشم و یا از کسی متوجه بشم این منو خیلی ناراحت می‌کنه." (مشارکت‌کننده ۴). ۴) تعیین انتظارات: "مثلاً هم صحبت می‌کنم و هم مثال میزنم که فلانی این کار خوب رو انجام داده من انتظار دارم تو هم مثل اون بچه خوبی باشی و یاد بگیری اون رفتارها رو انجام بدی." (مشارکت‌کننده ۱۱). "از بچگی بهشون گفتم و اونا چیزهایی که برای من ارزش هستن رو می‌دونن و رو معیارهای من شناخت دارن و می‌دونن انتظار دارم مثل خودم صداقت رو رعایت کنن." (مشارکت‌کننده ۴).

دومین مضمون اصلی در جدول شماره ۲، مؤلفه‌های ارتباطی و حمایت‌گری مسئولانه در تربیت اخلاق‌محور است. در این مضمون اصلی، تجارب بیان شده توسط والدین ۵ مضمون فرعی زیر را شکل داده است: ۱) آگاهی والدین نسبت به ویژگی‌های فرزند: شناخت هرچه بیشتر والدین از فرزندان منجر به ارتباط بهتر و مؤثرتر آنان با فرزندان می‌شود. "خوشبختانه برای فاطمه نمی‌دونم اکتسابی بود یا ذاتی بود، توجهات خاصی برخلاف هم سن و سالانش داشت مثلاً توجه به جلسات پژوهشی که خاصه مثلاً توجه به یک نماد یا سمبل بعد اینا

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

رو گوش می‌داد و حرفای محققا در این موارد رو از کلاس پنجم ششم گوش می‌داد و باعث شده اطلاعات خوبی داشته باشه. یعنی الان من محدودش نمی‌کنم به این که تو موسیقی وان دایرکشن رو گوش نده با اینکه دوست ندارم." (مشارکت‌کننده ۱۰). "خودش اونجوریه که گرایش به کارهای بد نداره و حتی بین بچه‌های بد هم قرار بگیره بهشون گرایش نداره و دوست داره بیشتر با بچه‌هایی دوست بشه که مثبتن و کارهای خوب انجام میدن." (مشارکت‌کننده ۱۲). ۲) آگاهی والدین نسبت به علایق و نیازهای فرزندان: "علیرضا با این که بزرگ شده ولی عاشق ماشینه وقتایی که کارای خوبی می‌کنه یواشکی یه ماشین با همون رنگی که اون دوست داره براش می‌خرم و میگم این به خاطر اون کار خوبیه که اون روز انجام دادی." (مشارکت‌کننده ۶). "بیشتر از تشویق کلامی استفاده می‌کنم و خیلی هم خوشش میاد و باهم در مورد اون کارش صحبت می‌کنیم و یه وقتایی هم خب میگم به افتخار این کارت مثلاً امروز میریم کافه و خیلی هم دوست داره." (مشارکت‌کننده ۱۱). ۳) ارتباط برمبنای احترام: "وقتی مسئله‌ای پیش میاد ازشون نظر میخوام و برای نظرات و تفکرات اونا احترام قائل هستم اگه با نظرشون مخالف باشم بهشون میگم حالا یکم فکر کنم ببینم چی میشه." (مشارکت‌کننده ۱). "سعی می‌کنم باهاش با احترام صحبت کنم و در واقع بهش احترام میذارم." ( مشارکت‌کننده ۵). "می‌دیدم خودش خودکفا با وسایلی که من برای کار دیگه‌ای لازم داشتم چیزی درست می‌کرد با اینکه اون وسیله رو خیلی لازم هم داشتم اصلاً نه عصبانی شدم نه هیچی کلی هم ذوق می‌کردم می‌گفتم چقدر قشنگه حالا بیا یکم خوشگل‌ترش بکنیم و ببر به معلمت نشونش بده. من این چیزا رو خیلی خوب پر وبال می‌دادم." (مشارکت‌کننده ۱۰). ۴) ارتباط صمیمانه با فرزندان: "باهاشون دوستم و خیلی باهم صحبت می‌کنیم، شوخی می‌کنیم درد و دل می‌کنیم یه جاهایی نتونستم براشون چیزی بخرم راحت احساساتشون رو میگن." (مشارکت‌کننده ۱۲).

**جدول ۳: روش‌های ایجاد عملکرد اخلاقی در فرزندان توسط والدین**

| مضامین اصلی | مضامین فرعی |
|---|---|
| روش‌های القایی ایجاد عملکرد اخلاقی | ایجاد پرسش درباره مسائل اخلاقی |
| | تبیین مسائل اخلاقی |
| | تنبیه کلامی |
| | تشویق کلامی |
| | تلقین کلامی |
| روش‌های فعال ایجاد عملکرد اخلاقی | الگودهی عملی اخلاقی توسط والدین |
| | انجام اعمال و رفتارهای اخلاقی هماهنگ والدین |
| | تشویق عملی |
| | تنبیه عملی |
| | الگوگیری اجتماعی |

جدول شماره ۳ نشان‌دهنده روش‌های مورد استفاده والدین در انتقال و آموزش اصول اخلاقی به فرزندانشان است. مهم‌ترین روش‌هایی که والدین به کار می‌برند، روش‌های القایی و فعال است.

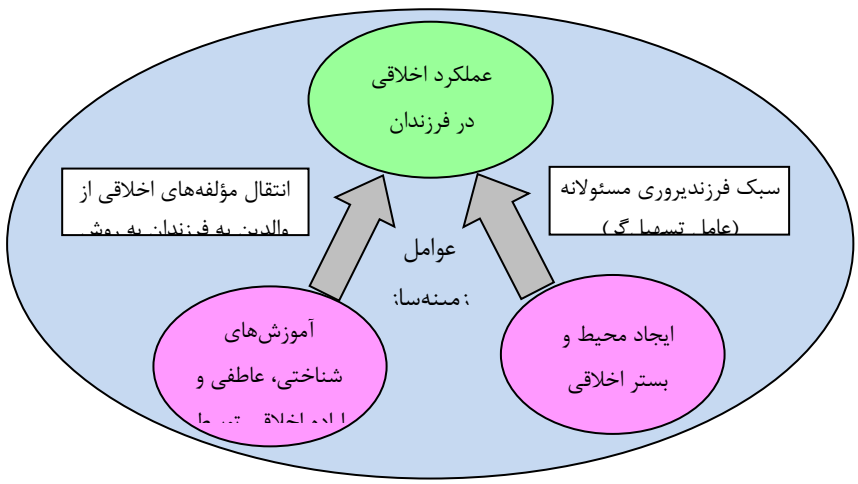
اولین مضمون اصلی جدول ۳، روش‌های القایی ایجاد عملکرد اخلاقی در فرزندان توسط والدین است که دارای ۵ زیر مضمون زیر است: ۱) ایجاد پرسش درباره مسائل اخلاقی: "از بچگی کتاب‌های مختلف براش می‌خوندم مثلاً عاشق این بود من کتاب کلیله و دمنه رو براش بخونم بدون اینکه بدونه داره یکسری اصول اخلاقی درش شکل می‌گیره. اون وقت من در حد سنش ازش سوال می‌پرسیدم و به چالش می‌کشیدمش." (مشارکت‌کننده ۸). ۲) تبیین مسائل اخلاقی: "باهاشون حرف می‌زنم و چیزهایی رو براشون توضیح میدم ولی سعی می‌کنم نصیحت‌گونه نباشه که بدشون بیاد" (مشارکت‌کننده ۳). "بسته به این که تو هر زمینه‌ای و فضایی مسئله‌ای وجود داشته باشه با توضیحات یا مثال‌های مختلف در موارد مختلف به شکل‌های گوناگون سعی می‌کنم بهش یاد بدم." (مشارکت‌کننده ۸). ۳) تنبیه کلامی: "وقتی کار اشتباهی انجام بده خیلی حساسم و حتماً در مقابلش می‌ایستم. بازخورد مستقیم نشون میدم و بهش تذکر میدم که فلان رفتارت اشتباه بود." (مشارکت‌کننده ۳ و ۱۲ و ۱۰). "سعی می‌کنم کاری کنم وقتی کار بد انجام میده درش احساس بد به وجود بیاد مثلا وقتی دروغ بگه اخم منو می‌بینه یا مثلا وقتی تقلب کنه می‌گم این چه امتحانیه، امتحان اینجوری فایده نداره. و اون کارشو کم ارزش می‌کنم." (مشارکت‌کننده ۸). ۴) تشویق کلامی: "خیلی خوشحال میشم و بهش میگم من بهت افتخار می‌کنم. خیلی کار خوبی کردی و

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

ما دوست داریم همیشه همینجوری باشه و خب می‌بینم اونم تشویق میشه." (مشارکت‌کننده ۱۲). "وقتی میریم بیرون و دخترام چادر می‌پوشن، میگم دخترم وقتی چادر می‌پوشی چقدر باوقار می‌شی مثل مروارید تو صدف می‌مونی." (مشارکت‌کننده ۱). ۵) تلقین کلامی: "در بچگی نکات اخلاقی خیلی ریزی رو در قالب داستان حیونا بهش می‌گفتم و با اون ویژگی‌های اخلاقی آشناش می‌کردم و الان که بزرگتر شده کتابایی رو می‌خرم با محتوای خاص که اون ارزش‌های اخلاقی مدنظر و خوب رو ازش الگو بگیره." (مشارکت‌کننده ۸). "بهش میگم چطوری رفتار کنه. مثلاً بهش میگم وقتی از بزرگتری ناراحت می‌شی جوابشو نده، سکوت کن، بی ادبی نکن." (مشارکت‌کننده ۶).

آخرین مضمون اصلی، روش‌های فعال ایجاد عملکرد اخلاقی در فرزندان توسط والدین است، که به عنوان دومین روش والدین برای انتقال مؤلفه‌های اخلاقی به فرزندان شناسایی شد و مضامین فرعی زیر را شامل می‌شود: ۱) الگودهی عملی اخلاقی توسط والدین: "همیشه سعی می‌کنم وقتی با کسی برخورد می‌کنم کاملاً با اون روراست باشم و صادق باشم." (مشارکت‌کننده ۴). "سعی می‌کنم باهاش با احترام صحبت کنم و در واقع بهش احترام میذارم و تو عمل هم انجام میدم. مثلاً وقتی بزرگتری وارد میشه بلند شی، درست سلام و احوال‌پرسی کنی و این مدل کارها احترام رو به بچه یاد میده."(مشارکت‌کننده ۵). ۲) انجام اعمال و رفتارهای اخلاقی هماهنگ والدین: "من وهمسرم هر دومون یه باور اساسی داشتیم که آنچه که ما هستیم بچمون هم همون میشه نه اون چیزی که ما می‌گیم و می‌خوایم یا دوست داریم برای همین خودمون اول سعی می‌کردیم اون چیزی رو که می‌خوایم بچمون داشته باشه رو بهش عمل می‌کردیم. و واقعاً هم عمل کنیم نه اداشو درآریم." (مشارکت‌کننده ۱۰). "سعی می‌کنم خودم انجام بدم و به مادرش هم میگم رعایت کنه. قطعاً هر کاری رو که ما انجام بدیم اونا یاد می‌گیرن الگو قرار میدن." (مشارکت‌کننده ۷). ۳) تشویق عملی: "تو مدرسه برای هر نمره خوبی که می‌گیره از اون ابتدایی تا الان یه مقادیری رو تعیین می‌کردیم و یه قلک جدا براشون گذاشته بودم که مثلاً اگه عالی بگیری این‌قدر پول بهت میدم." (مشارکت‌کننده ۹). "یه وقتایی میگم به افتخار این کارت مثلاً امروز میریم کافه و خیلی هم دوست داره." (مشارکت‌کننده ۱۰). ۴) تنبیه عملی: "وقتی کار اشتباهی رو تکرار می کنند اگر چیزی رو دوست دارند بهشون نمیدم و محرومشون می‌کنم به این طریق تنبیهشون می‌کنم." (مشارکت‌کننده ۲). ۵) الگوگیری اجتماعی: "مثلاً تو محله خودمون وقتی می‌بینم جوونی معتاد شده یا کارتون‌خواب شده میگم مامان ببین این حرف مادرشو گوش نکرده، حرف بزرگترشو گوش نکرده اینجوری شده و عاقبتش این شده." (مشارکت-کننده ۹). "مثلاً ببینم بچه‌ای تو کلاسشون موفق هم شده مثلاً درساش خوبه یا همه معلما از رفتاراش راضی هستن و بچه با ادبیه اینا رو هم بهش میگم و میگم این همکلاسیتون خیلی پسر خوبیه و می‌تونه دوست خوبی باشه برات." (مشارکت‌کننده ۱۱).

در الگوی مفهومی ارایه شده در شکل ۱، خلاصه‌ای از مباحث به صورت شمایی کلی از نحوه انتقال مؤلفه‌های اخلاقی در تربیت اخلاق‌محور و شکل‌گیری عملکرد اخلاقی در فرزندان نوجوان از طریق عوامل زمینه‌ساز آموزش‌های شناختی، عاطفی و اراده اخلاقی و همچنین ایجاد محیط و بستر اخلاقی توسط والدین، به روش‌های القایی و فعال، که البته سبک فرزندپروری مسئولانه نقش تسهیل‌گر در این انتقال را دارد، نشان داده شده است.




**شکل ۱: الگوی مفهومی انتقال مؤلفه‌های اخلاقی از والدین به فرزندان نوجوان**

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش کیفی حاضر با رویکرد پدیدارشناختی به بررسی نحوه انتقال مؤلفه‌های اخلاقی از والدین به فرزندان نوجوان پرداخت. تحلیل و کدگذاری یافته‌ها منجر به پیدایش هشت مضمون اصلی تحت عنوان راهبردهای پرورش شناخت و استدلال اخلاقی، راهبردهای پرورش گرایش و بازدارندگی عاطفی اخلاقی، راهبردهای پرورش اراده اخلاقی، بسترسازی محیطی اخلاقی، مؤلفه‌های انضباطی و مراقبت‌گری مسئولانه در تربیت اخلاق‌محور، مؤلفه‌های ارتباطی و حمایت‌گری مسئولانه در تربیت اخلاق‌محور، روش‌های فعال ایجاد عملکرد اخلاقی و روش‌های القایی ایجاد عملکرد اخلاقی شد.

پرورش شناخت و تفکر اخلاقی اولین عامل زمینه‌ساز برای ایجاد رفتار اخلاقی در نوجوانان است. تحلیل یافته‌ها نشان داد، والدین راهبردهایی همچون پرورش سنجش سود و زیان رفتارها، پرورش تفکر نسبت به علت انجام رفتارها، پرورش تفکر نسبت به پیامد و عواقب کارها را برای ایجاد شناخت اخلاقی در فرزندان به کار می‌گیرند. پرورش شناخت و تفکر عقلانی برای ایجاد بینش در رابطه با تشخیص حق از باطل، درست از نادرست و خوب از بد برای داشتن عملکرد اخلاقی در فرزندان به ویژه نوجوانان بسیار ضروری است. تومر[1] (۲۰۰۸) عنوان می‌کند رفتار انسان عقلایی ویژگی‌هایی از قبیل انعکاس ارزش‌ها و اهداف فرد، جستجو برای کسب بهترین شرایط، دربرگرفتن پیامدهای بلندمدت برای انسان، تاکید بر اخلاقیات و به وجود آوردن خوشحالی و شادمانی واقعی برای فرد را در بر می‌گیرد. لازمه چنین تربیت عقلانی، ایجاد قدرت تجزیه و تحلیل در فرزندان از طریق عدم القای صرف خوب و بدهای اخلاقی و به وجود آوردن فضایی در خانواده مبتنی بر گفتگو و تبیین ابعاد و دلایل و فلسفه رفتارها و اتفاقات، بایدها و نبایدها است. ناصح و ساکی (۱۳۸۷) جایگاه عقل و تعقل را در مبانی تفکر شیعه این‌گونه توضیح دادند که اسلام بیشترین اهمیت و ارزش را برای عقل و اندیشه قائل شده است و عقل و شرع را مکمل هم و رابطه آنها را دو سویه و هماهنگ می‌داند.

پرورش گرایش و بازدارندگی عاطفی اخلاقی، یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز اولیه برای ایجاد رفتار اخلاقی در نوجوانان است. تجزیه و تحلیل تجارب والدین نشان داد، آنان در تربیت اخلاق‌محور به منظور انتقال مؤلفه‌های اخلاقی از روش‌های مختلف تشویقی و تنبیهی از قبیل اعمال تشویق‌ها و تنبیه‌های کلامی و عملی، پروررش اعتقاد به تشویق و تنبیه الهی، ایجاد اعتقاد به ناظر بودن خداوند و پرورش محبت الهی استفاده می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش دهدست و همکاران (۱۳۹۸) همسو است که یکی از عوامل مهم در ایجاد منش اخلاق‌محور در فرزندان را، پرورش عاطفه اخلاقی در آنان مطرح می‌کند. همچنین یافته‌های پژوهش هاردی (۲۰۰۶) مؤید آن است که استدلال اخلاقی به تنهایی موجب انجام عمل اخلاقی نمی‌شود بلکه احساسات و عواطف اخلاقی، انگیزه ای را فراهم می‌کند که منجر به عمل اخلاقی می‌شود. همچنین هاید[2] (۲۰۰۱) معتقد است هیجانات و احساسات اخلاقی مستقلا باعث عمل و تصمیم‌گیری اخلاقی می‌شود و ربطی به فعالیت‌های شناختی ندارند (به نقل از فرید و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین براساس نظریه آموزشی کنستانز[3]، ایجاد تعارضات اخلاقی باعث به راه انداختن مباحث اخلاقی می‌شود و در نهایت هیجانات زمینه را برای در نظر گرفتن دیدگاه دیگران و رشد اخلاقی فراهم می‌آورد (نارواز[4]، ۲۰۰۸). لذا می‌توان گفت، واکنش والدین به رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی فرزندان عامل تعیین‌کننده‌ای در یادگیری آن‌ها از اشتباهات و گسترش درک اخلاقی‌شان است و تشویق و تنبیه مناسب و منطبق با رفتارهای درست و نادرست فرزندان، خشت بنای پرورش عاطفه است و دیدن پیامدها و نتایج اعمال از این طریق عامل برانگیزاننده و مشوق روی آوردن به ارزش‌های اخلاقی است.

عامل زمینه‌ساز اولیه دیگر، راهبردهای پرورش اراده اخلاقی است. والدین از طریق راهبردهایی چون ترغیب فرزندان به تکرار عمل اخلاقی جهت ملکه‌سازی رفتار اخلاقی، حذف موانع انجام عمل اخلاقی و فراهم کردن شرایط مناسب اخلاقی، زمینه تقویت اراده اخلاقی را در فرزندان فراهم می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش خسروی و باقری (۱۳۸۷) و دهدست و اسمعیلی (۱۳۹۹) همسو است که یکی از مهم‌ترین مبانی درونی کردن ارزش‌های اخلاق در فرزندان را پرورش اراده اخلاقی یا عاملیت اخلاقی در آنان می‌دانند. براساس متون اسلامی به ویژه قرآن، یکی از مبانی مهم در انجام عمل، مبنای ارادی- اختیاری است. این عامل ناظر بر تصمیم‌گیری و گزینش فرد در مورد انجام دادن عمل است و هنگامی عمل تحقق خواهد یافت که علاوه بر وجود تصویر شناختی و هیجان‌های درونی، تصمیم و انتخاب نیز در مورد آن تحقق یابد. در فرایند تربیت اخلاق‌محور و انتقال اصول اخلاقی به فرزندان هدف والدین این است که اراده و قدرت انتخاب

1. Tomer
2. Hyde
3. Konstanz
3. Narvaez

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

در مورد رفتارهای اخلاقی در فرزندانشان شکل بگیرد به طوریکه بتوانند درباره‌ی فضیلت‌های اخلاقی تصمیم‌گیری کنند. حال اگر شرایط به گونه‌ای برای آنان فراهم شود که بتوانند مشارکت فعال و عملی در انجام امورات و فعالیت‌های اخلاق‌محور داشته باشند و آن فعالیت‌ها متناسب با توانمندی‌ها و اقتضائات سنی فرزندان باشد، شرایط آغاز ارادی رفتار و عمل اخلاقی مهیا خواهد شد (دهدست و همکاران، ۱۳۹۸؛ خسروی و باقری، ۱۳۸۷).

عامل زمینه‌ساز دیگر برای ایجاد رفتار و عمل اخلاقی در فرزندان بسترسازی محیطی اخلاقی است. تحلیل یافته‌های پژوهش مؤید آن است که والدین از طریق حذف شرایط تخریب‌کننده اخلاق، گزینش برنامه‌های تلویزیونی، قرار دادن فرزندان در اجتماع سالم و تحت آموزش قرار دادن فرزندان توسط افراد آگاه و اخلاق‌مدار و در دسترس قرار دادن امکانات بصیرت‌افزا، سعی در نهادینه کردن اعمال و رفتارهای اخلاقی در فرزندان دارند. در تبیین این مضمون می‌توان گفت، اخلاق در اجتماع و در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد، رشد می‌کند و کامل می‌شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش اسکندری چراتی (۱۳۹۶) که تاثیرات اجتماع و مسائل فرهنگی و اقتصادی را بر میزان بزهکاری و انجام رفتارهای غیراخلاقی بررسی کرده، همسو است. همچنین یافته‌های پژوهش شریفی‌زارچی و خلعتی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد ازجمله چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان، عدم توجه به هماهنگی خانواده و محیط‌های آموزشی، القائات نامناسب اجتماعی، خطاهای شناختی، عدم توجه به اقتضائات زمانی و مکانی است که لزوم توجه بیشتر والدین به بسترهای آموزشی و محیط‌های اجتماعی که فرزندان در آن قرار می‌گیرند را نشان می‌دهد.

عامل بعدی در فرایند تربیت اخلاق‌محور، که در مطالعه حاضر به عنوان عامل تسهیل‌گر مورد شناسایی قرار گرفت، فرزندپروری مسئولانه، با مؤلفه‌های انضباطی و مراقبت‌گری مسئولانه و مؤلفه ارتباطی و حمایت‌گری مسئولانه است. نظارت و کنترل فرزند در فضای مجازی، نظارت بر محیط‌های اجتماعی که فرزند با آنجا تعامل دارد، تعیین قوانین و مقررات و معیارها در منزل، تعیین انتظارات، آگاهی والدین نسبت به ویژگی‌های فرزند، آگاهی والدین نسبت به علایق و نیازهای فرزندان، ارتباط برمبنای احترام، ارتباط صمیمانه با فرزندان، مضامین فرعی این مضمون بود. طبق تجارب شرکت‌کنندگان، والدین زمانی در پرداختن به نقش والدگری خود موفق خواهند بود که بین آن‌ها اتحاد وجود داشته باشد، بر اعمال و رفتارهای فرزندان خود نظارت کافی و لازم و بر سر چگونگی تربیت فرزندانشان توافق داشته باشند، به استقلال فردی فرزندانشان بها دهند، در مواقع لزوم به حمایت از آنان بپردازند، سخت‌گیری و یا سهل‌گیری بیش از حد نداشته باشند و در نهایت بیش از سبک گفتاری به سبک رفتاری خود اهمیت دهند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های فاطیما، داوود و منیر (۲۰۲۰)، داویس و کارلو (۲۰۲۰) و شریفی (۱۳۹۶) که اهمیت نقش سبک‌های فرزندپروری و روابط صمیمانه و گرمی روابط والد- فرزند در کنار به‌کارگیری راهکارهای انضباطی مناسب، در درونی کردن ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری هویت اخلاقی را نشان می‌دهند، همسو است. پژوهش پادیلا- واکر[1] (۲۰۰۷) نیز نشان می‌دهد، سبک فرزندپروری مقتدرانه، پیش‌بینی‌کننده، رشد هویت اخلاقی در نوجوانان است. شیوه تعاملات والد- فرزند در رشد بهنجار و نابهنجار و شکل‌گیری فضایل و رذایل اخلاقی در اعضای خانواده نقشی اساسی دارد، به‌گونه‌ای که اثر تربیتی والدین بر رشد ویژگی‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، صداقت، استقلال، عزت نفس به روشنی در حوزه سلامت و آسیب‌شناسی تربیت فرزند مشهود است (شاو، فلانگان، وین‌اسلو[2]، ۱۹۹۹).

تصمیم‌گیری اخلاقی اکتسابی است و وظیفه والدین است که آن را به فرزندان یاد بدهند. تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد والدین با استفاده از روش‌های القایی شامل مضامین فرعی ایجاد پرسش درباره مسائل اخلاقی، تبیین مسائل اخلاقی، تنبیه کلامی، تشویق کلامی، تلقین کلامی و همچنین روش‌های فعال شامل مضامین فرعی الگودهی عملی اخلاقی توسط والدین، انجام اعمال و رفتارهای اخلاقی هماهنگ والدین، تشویق عملی، تنبیه عملی، الگوگیری اجتماعی، مؤلفه‌های اخلاقی را به فرزندان منتقل می‌کنند. روش‌های القایی در تربیت اخلاق‌محور به معنای بهره‌گیری والدین از گفتگوی کلامی و زبان غیرکلامی‌شان برای القای اصول و قوانین اخلاقی در فرزندان است تا با ایجاد شناخت، عاطفه و در نهایت نگرش خاصی در فرزندان، تصویری کامل از اخلاق، اصول و قوانین آن به تدریج ایجاد شده و گرایش به تکرار اعمال اخلاقی و دوری از اعمال غیراخلاقی در آنها پرورش پیدا کند. براساس نظریه شناختی- عاطفی[3] هافمن[4] استفاده از شیوه‌های القایی به چند دلیل به فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کنند؛ اول به خاطر آن که چنین شیوه‌هایی بهترین سطح انگیزش، یا سطح متعالی از انگیزش، را برای یادگیری در کودک ایجاد می‌کنند. دوم، این که چنین فنونی توجه کودک را به میزان کافی

1. Padilla-Walker
2. Shaw, Flanagan & Winslow
3. Cognitive-emotional
4. Hofman

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

نسبت به موضوع برانگیخته و در عین حال، احتمال ایجاد اضطراب سطح بالا و خشم نیز منتفی است. در نتیجه، کودک دقت بیشتری در موضوع القایی کرده و پردازش اطلاعات در مورد اظهارات القا شده به طور عمیق صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، به دلیل آن که اطلاعات مربوط به موضوع در قالب توضیح و تبیین یک مسئله به کودک ارائه می‌شوند، اقدامات نظم‌دهی والدین کمتر مستبدانه جلوه می‌کنند و به تبع آن بروز واکنش از سوی کودک نیز کاهش می‌یابد (به نقل از کریم‌زاده، ۱۳۸۹). در کنار این، روش‌های فعال نیز با بهره‌گیری از تمرین و تکرار عملی پیوسته از طریق فراهم آوردن زمینه تجربه عملی اعمال و اصول اخلاقی و پایبندی مداوم و پیوسته به انجام اعمال در فرزندان، زمینه نیل به اهداف تربیتی را ایجاد می‌کنند (دهدست و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین براساس رویکرد شناختی- اجتماعی[1]، هنجارهای اخلاقی در اصل پدیده‌های بیرونی و اجتماعی بوده و از طریق فرایندهای تجربهٔ تنبیه، الگوبرداری، تقویت خود، خودنظم‌دهی و احساس همدلی در خزانهٔ رفتاری فرد جای می‌گیرند. رعایت و آشکارسازی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در اعمال و رفتارهای خود والدین که به نوعی آموزش غیرمستقیم عملکرد و رفتار اخلاقی است، تاثیر ویژه‌ای در درونی‌کردن هنجارهای اخلاقی در نوجوانان دارد و اراده آنان برای انجام عملکرد اخلاقی از طریق مشاهده رفتارهای اخلاق‌مدار والدین، تقویت می‌شود (اشعری و حسنی، ۱۳۹۳).

به طور خلاصه، راهبردهای پرورش شناخت و استدلال اخلاقی، راهبردهای پرورش گرایش و بازدارندگی عاطفی اخلاقی و راهبردهای پرورش اراده اخلاقی به عنوان اولین عامل زمینه‌ساز و بسترسازی محیطی اخلاقی به عنوان دومین عامل زمینه‌ساز برای ایجاد رفتار اخلاقی در نوجوانان در فرایند تربیت اخلاق‌محور مشخص شدند و والدین از روش‌های القایی و فعال برای انتقال مؤلفه‌های اخلاقی در تربیت فرزندانشان استفاده می‌کنند و در این میان، سبک فرزندپروری مسئولانه فرایند انتقال ارزش‌های اخلاقی را سهل‌تر و موثرتر می‌کند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود. نمونه مورد مطالعه صرفاً از بین والدین شهر تهران انتخاب شدند، بنابراین تعمیم نتایج به همه خانواده‌ها مستلزم رعایت احتیاط است. همچنین با *توجه به اینکه پژوهش با روش کیفی انجام شده است، محدودیت‌های روش کیفی ازجمله غیرممکن بودن حذف سوگیری مشاهده‌گر، عدم کنترل اعتبار نتیجه‌گیری و عدم قابلیت تعمیم‌پذیری بر آن وارد است.* اطلاعات حاصل از این پژوهش از یک سو لزوم توجه بیشتر به مبانی فرهنگی، ارزشی و اجتماعی تاثیرگذار بر ارزش‌های اخلاقی نوجوانان را برای افرادی که در حوزه خانواده و نوجوانان مشغول فعالیت هستند، یادآوری می‌کند و از سوی دیگر، لزوم پژوهش‌های بیشتر در زمینه تربیت اخلاق‌محور در کانون خانواده را متذکر می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشی جهت بررسی دیدگاه نوجوانان در فرایند یادگیری اصول اخلاقی از والدین انجام شود. همچنین می‌توان در پژوهش‌های آتی نقش مدرسه و همسالان را در انتقال و یادگیری ارزش‌های اخلاقی در نوجوانان، مورد بررسی قرار داد.

## منابع

اسکندری چراتی، آ. (۱۳۹۶) بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان. *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۳(۳۴)، ۱۸۵- ۲۰۶.

اسماعیل بیگی، م.، رضاپور میرصالح، ی.، بهجتی اردکانی، ف.، نیازی، ش. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مفاهیم اخلاق در خانواده به شیوه قصه‌گویی مبتنی بر مفاهیم اسلامی بر سبک‌های مقابله یی و سلامت روانی نوجوانان دختر. *مجله پژوهش در دین و سلامت*، ۴(۳)، ۷۰-۸۲.

اشعری، ز.، حسنی، م. (۱۳۹۳). تبیین و نقد عاملیت اخلاقی در نظریه یادگیری شناختی اجتماعی. *نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*. ۲(۳)، ۹۳- ۱۱۱.

خسروی، ز، باقری، خ. (۱۳۸۷). راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ۲(۸)، ۸۱- ۱۰۵.

دهدست، ک. اسمعیلی، م. (۱۳۹۹). فرزندپروری اخلاق‌محور: تعریف، مبانی و اصول تربیتی مبتنی بر آرای علامه طباطبایی. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*. ۱۹(۷۵)، ۲۹۰- ۳۲۶.

دهدست، ک.، اسمعیلی، م.، فرح بخش، ک. (۱۳۹۸). طراحی و اعتباریابی الگوی مفهومی و عملی تربیت "منش اخلاق محور" بر اساس افق علامه طباطبایی: رویکردی نوین در عرصه فرزندپروری. *نشریه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۳ (۴)، ۱- ۱۲.

سعیدیان جزی، م. (۱۳۹۳). اصول و ارزشهای اخلاقی در نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های وحیانی و سیره اهل بیت(ع). *پژوهشنامه حکمت اهل بیت (علیهم السلام)*. ۱(۲)، ۶۱- ۸۰.

شریفی‌زارچی، ف.، خلعتی، ا. (۱۳۹۶). چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان و راهکارهای برون‌رفت از آن. *دوفصلنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۴(۱۷)، ۸۳- ۱۰۶.

1. Cognitive-social

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

شریعتمدار، آ.، آدینه‌وند، ف. (۱۳۹۸). تعیین اثربخشی آموزش مفاهیم فلسفی بر رشد ارزش‌های اخلاقی. *نشریه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۴(۲)، ۲۳-۳۰.

شریعتمدار، آ.، امینی موسی آبادی، آ.، عمادی، ف. (۱۳۹۷). مرزهای خانوادگی و امنیت پایه: مقایسه‌ی ادراک والد- نوجوان در مورد انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی بر مبنای رشد. *فصلنامه علمی پژوهش های مشاوره*. ۱۷ (۶۷)، ۸۳-۶۱.

شریفی، ف. (۱۳۹۶). راهکارهای پرورش هویت اخلاقی نوجوانان در سبک زندگی خانواده اسلامی. *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۴، ۹۷- ۱۱۸.

شهرکی ثانوی، ف.، نویدیان، ع.، انصاری مقدم، ع.، فرجی شوی، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوانان. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۴.

فرید، ا.، سعدی‌پور، ا.، کریمی،ی.، فلسفی‌نژاد، م. (۱۳۸۹). اثربخشی روش‌های آموزش شناختی اخلاق، شفاسازی ارزش‌ها و تلفیقی بر قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان. *فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۵(۱۹)، ۹۱- ۱۱۹.

کریم‌زاده، ص. (۱۳۸۹). سازوکارهای روانشناختی فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی. *نشریه روانشناسی و دین*، ۳(۲)، ۵- ۲۸.

مرعشی، ع.، نقی‌ترابی، ف.، بساک‌نژاد، س.، بشلیده، ک. (۱۳۹۸). تاثیر آموزش آموزه‌های دینی (مبتنی بر دعای مکارم‌الاخلاق) بر هوش اخلاقی دانشجویان، *فصلنامه روان شناسی و دین*، ۱۲(۲)، ۳۶-۲۳ .

مرعشی، م.، صفایی‌مقدم، م.، خزامی، پ. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع‌پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز. *نشریه تفکروکودک*، ۱(۱)، ۸۳- ۱۰۲.

محمدپور، ا. (۱۳۹۷). *ضدروش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. قم، لوگوس.

محمدی، م.، سلیمی، ح.، برجعلی، ا. (۱۳۹۶). مقایسه فعالیت‌های والدینی در ورود موفق و ناموفق به مرحله نوجوانی چرخه زندگی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*. ۱۶(۶۱)، ۱۶۳- ۱۸۷.

ناصح، ع.، ساکی، ن. (۱۳۸۷). جایگاه عقل در مبانی تفکر شیعه. *شیعه شناسی*، ۲۱(۶)، ۲۰۹- ۲۳۳.

Ben-Arieh, A., & Shimon, E. (2014). Subjective well-being and perceptions of safety among Jewish and Arab children in Israel. *Children and Youth Services Review*, *44*, 100-107.

Chen, C. A., & Howitt, D. (2007). Different crime types and moral reasoning development in young offenders compared with non-offender controls. *Psychology, Crime & Law*, *13*(4), 405-416.

Davis, A. N., & Carlo, G. (2020). Maternal warmth and prosocial behaviors among low-SES adolescents: Considering Interactions between empathy and moral conviction. *Journal of Moral Education*, *49*(2), 226-240.

Durkheim, E. professional ethics and civic morals. Routledge. London and New York (2013). p. 100- 250.

English, F. W, (2006), Encyclopedia of educational Leadership and administration, London, sage Publications, Ins.

Fatima, S., Dawood, S., & Munir, M. (2020). Parenting styles, moral identity and prosocial behaviors in adolescents. Current Psychology, 1-9. https://doi.org/10.1007/s12144-020-00609-3

Hardy, S. A., Bean, D. S., & Olsen, J. A. (2015). Moral identity and adolescent prosocial and antisocial behaviors: Interactions with moral disengagement and self-regulation. *Journal of youth and adolescence*, *44*(8), 1542-1554.

Hardy, S. A. (2006). Identity, reasoning, and emotion: An empirical comparison of three sources of moral motivation. *Motivation and Emotion*, *30*(3), 205-213.

Hertz, S. G., & Krettenauer, T. (2016). Does moral identity effectively predict moral behavior?: A meta-analysis. *Review of General Psychology*, *20*(2), 129-140.

Lennick, D. K., & Kiel, F. (2005). Moral intelligence the key to enhancing business performance and leader ship success Wharton school publishing an imprint of Pearson education Wharton School Publishing. *USA: An Imprint of Pearson Education*, 5-45.

Miller, J. G., Das, R., & Chakravarthy, S. (2011). Culture and the role of choice in agency. *Journal of personality and social psychology*, *101*(1), 46- 61.

Narvaez, Darcia. (2008). Triune Ethics: The Neurological Roots of Our Multiple Moralities, *New Ideas in Psychology*, 26, 95-119.

Padilla-Walker, L. M. (2007). Characteristics of mother-child interactions related to adolescents' positive value and behaviors. *Journal of Marriage and Family*, 69(3), 675–686.

Shaw, D. S., Winslow, E. B., & Flanagan, C. (1999). A prospective study of the effects of marital status and family relations on young children's adjustment among African American and European American families. *Child Development*, *70*(3), 742-755.

Singh, D. (2020). A Study of Moral Judgement, Emotional Intelligence, and Family Environment among Adolescents. *A Journal of Composition Theory*, *13*(2), 949-958.

Speziale, H. S., Streubert, H. J., & Carpenter, D. R. (2011). *Qualitative research in nursing: Advancing the humanistic imperative*. Lippincott Williams & Wilkins.

Stams, G. J., Brugman, D., Deković, M., Van Rosmalen, L., Van Der Laan, P., & Gibbs, J. C. (2006). The moral judgment of juvenile delinquents: A meta-analysis. *Journal of abnormal child psychology*, *34*(5), 692-708.

Tomer, J. (2008). Beyond the rationality of economic man, toward the true rationality of human man. *The Journal of Socio-Economics*, *37*(5), 1703-1712.

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]
[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]

White, H. (2010). William James's Pragmatism. Ethics and The Individualism of Others. *European Journal of Pragmatism and American Philosophy*, *2*(II-1).

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25 ]

[ DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.7.14.6 ]